روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسئول: مهدی گیوه‌کی

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۳۶۱ | Monday - Nov 21 , 2022

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

امروز در تاریخ

■ زادروز داریوش اسدزاده، بازیگر ایرانی/ ۱۳۰۲
■ نمایش دختر لر، نخستین فیلم ناطق ایرانی/ ۱۳۱۲
■ زادروز ولتر، فیلسوف و نویسنده فرانسوی/ ۱۶۹۴
■ زادروز رنه ماگریت، نقاش فراواقعگرای بلژیکی/ ۱۸۹۸

واحه

حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد
حافظ

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۱:۵۰	غروب آفتاب: ۱۶:۵۴
اذان مغرب: ۱۷:۱۴	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۷
اذان صبح (فردا): ۵:۱۹	طلوع خورشید (فردا): ۶:۴۷

پیشخوان

لنگرگاهی در شن روان

روبه‌رو شدن با مرگ عزیزان همیشه سخت بوده وهست. حتی زمانی که فردی باگذراندن یک دوره طولانی بیماری سخت از دنیا می‌رود و عزیزانش از پیش، مرگش را پیش‌بینی می‌کنند هم باز این درد کمتر نمی‌شود. برگزاری انواع مراسم یادبود و بزرگداشت و ابراز همدردی با بازماندگان یکی از بهترین شیوه‌های عبور از لحظات سخت فقدان است. طی چند سال گذشته و با شیوع همه‌گیری کرونا در سراسر جهان هم بر تعداد سوگ‌ها افزوده شد و هم امکان برگزاری هیچ مراسمی وجود نداشت. «لنگرگاهی در شن‌روان» منتشر شده در نشر اطراف تصویری از مواجهه شش شخصیت برجسته با سوگ پیش چشم‌مان می‌گذارد؛ تجربه‌هایی که در قالب جستار، خاطره‌پردازی و نامه‌نگاری روایت شده‌اند. جستار «یادداشت‌های سوگ»، روایت چیمامانداا انگزی آدیچی است از تجربه سوگ پدرش در عصر پاندمی. «پس از زندگی» جستاری است از جون دیدیون درباره سوگ شوهرش. «آکواریوم» جستار کم‌نظیری است از الکساندر همن، درباره مرگ دختر خردسالش ایزابل. «تجربه» جستار بلندی است از رالف والدو امرسون و حاصل تامل و ژرف‌اندیشی بلندمدت او درباره تجربه از دست دادن پسر خردسالش امرسون در این جستار به مضامینی کلی‌تر می‌پردازد و فقط اشاره‌هایی به تجربه سوگ فرزندش می‌کند. «سه‌بیوه‌زن» ترجمه منتخبی است از خرده‌روایت‌های خاطره‌پردازانه جویس کرول اوتس درباره تجربه سوگ شوهرش، که در کتابی به همین نام منتشر شده‌اند.

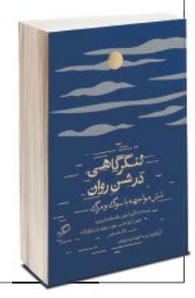

مهمان‌کُشی!

بازار پرنده فریدونکنار؛ همچنان قتلگاه پرندگان مهاجر ایران است

جمعیت شرقی و غربی درنای سیبری سال‌هاست از یکدیگر جدا شده و مسیرهای مهاجرت متفاوتی را انتخاب کرده‌اند؛ جمعیت شرقی در فصل زمستان به شرق آسیا مهاجرت می‌کند و جمعیت غربی در گذشته به ایران می‌آمد. هرچند دوستداران محیط زیست چشم‌شان به بازگشت «امید» است اما گوش‌شان پر شده است از صدای کشتار پرندگان مهاجر. صدایی که شاید در تالاب‌های شهرستان فریدونکنار در استان مازندران، کرکننده‌تر از بقیه مناطق کشور باشد. تورهای هوایی و آذوقه مسموم اگر زنده‌شان بگذارد، داس مرگ می‌شود گلوله‌ای در اسلحه که پرواز را برای‌شان یک رویا می‌کند. چند سال پیش نشریه معتبر ساینس، آماری تکان‌دهنده از کشتار پرندگان مهاجر در تالاب‌های فریدونکنار منتشر کرد: «یک میلیون پرنده مهاجر در فصل مهاجرت فقط در یک نقطه از ایران کشته می‌شوند؛ به‌عبارتی، افراد محلی روزانه جان ۳۰۰۰ پرنده را می‌گیرند.» آبگیرهای فریدونکنار، زاران و سرخ‌رود، قتلگاه پرندگان مهاجرند و بدنامی‌شان اینک از مرزهای ایران نیز فراتر رفته است. مردمان محلی و شکارچیان این بوم دو استدلال برای ادامه این کار دارند؛ اولی که اتفاقا مورد قبول بسیاری از مسئولان محلی این استان است دال بر این است که شکار پرندگان ریشه در سنت و فرهنگ مردمان محلی دارد و نگاهی آیینی به آن دارند و دومین استدلال هم که این روزها بیشتر شنیده می‌شود، مبنی بر این است که شکار پرندگان گره خورده است به معیشت مردمان این منطقه.

در ارتباط با استدلال اول هم مخالفان این موضوع معتقدند فقط یک روش شکار در گذشته مرسوم بوده و می‌توان آن را با اغماض جزئی از فرهنگ مردمان آن بوم دانست نه سیل تور و دام‌های هوایی و پخش دانه‌های مسموم که هم به کشتار بی‌رحمانه پرندگان می‌انجامد و هم تغذیه‌کنندگانش را به بستر بیماری می‌کشاند. دلایل مخالفت با دومین استدلال آنها هم آن‌قدر زیاد است که نشود در این گزارش کوتاه به آن اشاره کرد. مهم‌ترین پاسخ این دسته را اسماعیل کهرم، فعال محیط زیست و پرنده‌شناس می‌گوید. به گفته او؛ «آنها در حالی معیشت را بهانه می‌کنند که زمین‌های فریدونکنار بهترین برنج را تولید می‌کند و هر سال دو بار برنج برداشت می‌کنند. با وجود این، در فصل زمستان‌گذرانی پرندگان هم شروع به بهره‌برداری غیرمجاز از پرندگان می‌کنند.» فریدونکنار حالا شده است مهمانخانه مهمان‌کش. هر سال که سیل پرندگان مهاجر بر فراز آسمان این شهر پرواز می‌کنند، تعداد بسیاری از آنها سر از بازار پرنده‌فروشان این شهر درمی‌آورند. شما هم اگر می‌خواهید سراغی از پرندگان نایاب بگیرید، سری به بازار پرنده‌فروشان این شهر بزنید، همین چند سال پیش پرنده «غواص گلو سیاه» پس از ۴۰ سال در ایران مشاهده شد اما این بار روی میز سلاخی بازار پرنده‌فروشان. شکارچیان بی‌رحم پرندگان مهاجر که همه ساله با روش‌های غیرمجاز همچون کراس، دام هوایی و شب دام دست به کشتار وسیع این گونه‌های ارزشمند می‌زنند، گاهی برای فرار از فشار افکار عمومی ادعا می‌کنند آنها فقط پرندگان نر را شکار می‌کنند و برای بقای نسل این پرندگان از شکار پرندگان ماده پرهیز دارند. این ادعا حتی اگر صحیح باشد، بازهم از نظر بسیاری از کارشناسان حیات‌وحش، هیچ تاثیری در بقای نسل بسیاری از پرندگان مهاجر ندارد؛ زیرا بسیاری از این پرندگان، از جمله انواع غاز و اردک‌ها «مونوگام» یعنی تک‌همسره هستند و اغلب در این گونه‌های جانوری یک نر فقط با یک ماده زندگی می‌کند و با شکار نرها، نه‌تنها نسل این پرندگان حفظ نمی‌شود، بلکه تعادل جمعیت‌شان نیز به‌هم می‌خورد. پرندگان مهاجر فقط قربانی طمع دامگاه‌داران نمی‌شوند و افراد دیگری نیز در مرگ این پرندگان نقش دارند؛ افرادی که شاید تاکنون پای‌شان به مناطقی مانند فریدونکنار هم باز نشده باشد. منظور از این افراد، مشتریان رستوران‌هایی هستند که پرندگان مهاجر را در فهرست خوراک‌های‌شان می‌گنجانند. رستوران‌هایی که صاحبان آنها با خریدهای کلی از دامگاه‌داران آنها را تشویق به صید بیشتر پرندگان می‌کنند. استقبال مشتریان از چنین رستوران‌هایی، طمع رستوران‌داران را افزایش می‌دهد. در این میان کم نیستند دلالانی که حاضرند لاشه پرندگان مهاجر را در هر نقطه از کشور تحویل دهند، آنها فقط به پول فکر می‌کنند و به همین دلیل به مشتری‌های‌شان وعده می‌دهند لاشه پرندگان مهاجر را فریز و برای‌شان ارسال می‌کنند. در این بین بیشترین سود را در کنار دامگاه‌داران، مالکان رستوران‌های اشرافی به جیب می‌زنند؛ چراکه با درج گوشت پرندگان وحشی در فهرست غذای‌شان قیمت را چند برابر می‌کنند.

حکمت

امام هادی (ع)

بی‌نیازی، در کمی آرزو و رضایت به چیزی است که تو را کفایت می‌کند.

اعیان الشیعه

خبر روز

کشت و کار روی هوا!

مزارع عمودی شهری، وعده تولید سبزتر را می‌دهند

در طی دو دهه گذشته ایده‌های مختلفی در مورد کشاورزی عمودی مطرح شد. از مهم‌ترین اهداف این طرح دستیابی به کشاورزی پایدار، کم کردن فاصله بین تولیدکننده و مصرف‌کننده و کاهش دور ریز غذایی بود. شهرهای بزرگ معمولا در تامین مواد غذایی مورد نیاز با چالش‌هایی چون کمبود آب و خاک مورد نیاز، هزینه‌های سنگین حمل و نقل و مشکلات آب‌وهوایی مواجه هستند.

برخی از ایده‌های مزارع عمودی ممکن است غیرعملی یا حتی آرمان‌شهری به نظر برسد اما از نظر فنی، کشاورزی عمودی را می‌توان در خارج از خانه نیز با چیدن گلدان‌ها در زیر نور طبیعی خورشید نیز انجام داد، البته مزارع عمودی سرپوشیده طیف وسیعی از مزایا را ارائه می‌دهند. در داخل این مزارع که اصطلاحا ایروپونیک نام دارند، هیچ فصلی وجود ندارد و چراغ‌های LED تخصصی رشد مداوم گیاهان و چرخش را در میان محصولات مختلف با سهولت بیشتری ممکن می‌کند. محیط کنترل‌شده و استانداردسازی این سیستم‌ها نیز اتوماسیون را آسان می‌کند. در ژاپن، با تلاش‌هایی مانند کارخانه سبزیجات که کاملا توسط ربات‌ها اداره می‌شود، رویکردها به طور قابل پیش‌بینی پیشرفته‌تر شده‌اند. در داخل، یک سیستم ایروپونیک حلقه بسته در تمام طول سال از هیچ آفت‌کشی استفاده نمی‌شود و ۹۵ درصد آب کمتری نسبت به کشاورزی مزرعه در آنها مصرف می‌شود. این مزارع مهار فضایی بازیافت را کارآمدتر می‌کند، فساد را کم و خطر گسترش بیماری‌ها و آفات را به خارج از یک مرکز خاص کاهش می‌دهد. ایروپونیک همچنین به ورودی مواد کمتری نیاز دارد.

برخی از ایده‌های افراطی کشاورزی عمودی ممکن است واقعا دور از ذهن و ناپایدار باشند اما حرکات بازار نشان می‌دهد که آینده‌ای در این نوع تسهیلات و رویکردها وجود دارد. سرمایه‌گذاری‌های زیاد در این حوزه انجام گرفته و به توسعه فناوری‌های جدید کشاورزی انجامیده است. در حال حاضر، کشاورزی عمودی یک صنعت دو میلیارد دلاری است و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که در دهه آینده تا ۳۰ درصد در سال نیز رشد خواهد کرد.

مزارع عمودی البته راه‌حل کاملی برای تهدیدهای مداوم مانند تغییرات آب‌وهوایی و افزایش بحران‌های غذایی جهانی نیستند اما آنها راهکاری امیدوارکننده محسوب می‌شوند. این تلاش‌ها به آرامی موانع شهری و روستایی را از بین می‌برند، شهرها را به منابع غذایی که آنها را حفظ کرده، وصل و فاصله بحرانی مزرعه تا میز غذا را کوتاه می‌کنند.

خبر روز

تخم‌مرغ در انگلیس سهمیه‌بندی شد

شیوع گسترده آنفلوآنزای پرندگان در انگلیس و بالا رفتن هزینه‌های تولید، باعث کمبود تخم‌مرغ در این کشور و سهمیه‌بندی آن در برخی فروشگاه‌ها شده است. مردم انگلیس به دنبال تخم‌مرغ با طبقه‌های خالی فروشگاه‌ها مواجه شده‌اند. گسترده‌ترین شیوع آنفلوآنزای پرندگان در انگلیس و افزایش هزینه‌ها عرضه تخم‌مرغ در سراسر کشور را با مشکل مواجه کرده‌است. مشتریان در سوپرمارکت‌های بزرگ سنتزبری و تسکو هیچ تخم‌مرغی پیدا نمی‌کنند و فروشگاه لیدل در برخی از شعبه‌های خود تخم‌مرغ را سهمیه‌بندی کرده‌است. منوی صبحانه در رستوران‌ها در سراسر انگلیس محدود شده و سرآشپزها به دنبال جایگزینی برای تخم‌مرغ به دلیل کمبود آن هستند.

پرسه

کودکان ایرانی با فرهنگ اروپایی!

در بازار ادبیات ایران حالا می‌توان به حجم قابل توجهی از آثار ترجمه‌ای دست یافت، این موضوع در ارتباط با کودکان به گونه‌ای است که بازار در سیطره آثار ترجمه شده است. تالیف و ترجمه، دو بال یک پرنده هستند که سبقت هرکدام بر دیگری، تبعات مثبت و منفی گوناگونی در پی دارد. در سال‌های اخیر، نسبت کتاب‌های ترجمه شده در حوزه کودک و نوجوان افزایش چشمگیری داشته و همین امر باعث شده تا توجه منتقدان نسبت به این موضوع برانگیخته شود. آنها معتقدند سیطره کامل بازار ترجمه آثار خارجی برای ادبیات کودکان به نوعی آنها را با فرهنگ و سبک زندگی اروپایی عادت می‌دهد. این موضوع مورد توجه بسیاری هم قرار گرفته و کارشناسان هشدارهای بسیاری داده‌اند.

کیوآرکد را اسکن کنید

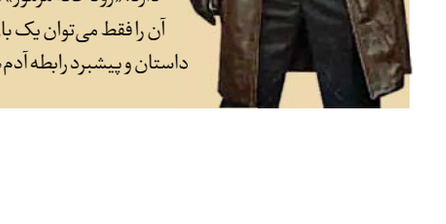

جادوگر زاگرب

او تنها بازیکنی بود که توانست بالاخره به سلطه ۱۰ ساله لیونل مسی و کریستیانو رونالدو بر توپ طلا پایان دهد. مودریچ در سال ۲۰۱۸، نخست با رئال قهرمان اروپا و سپس با کرواسی نایب‌قهرمان جام جهانی شد و در پایان او بهترین بازیکن این رقابت‌ها شناخته شد. او توانست توپ طلای جام جهانی را تصاحب و بعد از آن در ۳۰ آگوست ۲۰۱۸ جایزه بهترین بازیکن سال اروپا را از آن خود کند. او همچنین در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸ جایزه بهترین بازیکن مرد فیفا را نیز تصاحب کرد. مودریچ در حالی در جام‌جهانی قطر حضور دارد که می‌داند این آخرین حضور او در این تورنمنت معتبر ورزشی خواهد بود و شاید همین انگیزه بالایی برای او پیش‌بیاورد تا همراه با کرواسی به مراحل بالاتر صعود کند.

کیوآرکد را اسکن کنید

عکس روز

حسرت باران

باران، حسرت پاییزه امسال ایران است. کشوری که روی کمربند خشکسالی قرار گرفته و کارشناسان اقلیمی هم می‌گویند کم‌باران‌ترین پاییز چند سال گذشته را پشت سر می‌گذاریم. شاید این قاب مجید آزاد، عکاس روزنامه جام‌جم از خیابان‌های باران‌زده شهر تا چند سال دیگر تبدیل به حسرت بزرگی شود. حسرتی که تداومش فارغ از حس خوب باران مشکلاتی را در بحران آبی کشور به همراه داشته باشد. آن هم زمانی که می‌دانیم ذخیره آبی سدهای تهران نسبت به سال‌های پیش با کاهش چشمگیری روبه‌رو بوده‌است.

چهارراه

نگاهی به برخی از بهترین آثار سینمایی معمایی

اکران یک معما

فیلم‌های معمایی به آثاری گفته می‌شوند که در آنها طرح داستانی مبتنی بر حل یک معما پیش‌می‌رود. عامه مخاطبان تصور می‌کنند که این نوع سینما فقط حول محور حل یک معمای جنایی جریان دارند؛ مثلا قتلی اتفاق افتاده و کارآگاه یا پلیسی دربه‌در به دنبال پیدا کردن قاتل است اما در بسیاری مواقع این‌گونه نیست و هر فیلمی که روابط علت و معلولی آن طوری پیش برود که به حل معمایی منجر شود، ذیل این ژانر قرار می‌گیرد. موضوع دیگری هم برای فهم عناصر این ژانر لازم است این‌که ژانر معمایی در بسیاری از موارد با نام ژانر رازآلود هم مورد خطاب قرار می‌گیرد. پس حضور رازی به‌عنوان گره اصلی می‌تواند فیلم را به این ژانر منتسب کند. به‌عنوان نمونه فیلمی مانند «سولاریس» ساخته آندری تارکوفسکی در همین فهرست وجود دارد که گرچه به تمامی به ژانر علمی ـ تخیلی وابسته است اما به این دلیل که داستان آن حول یک معما یا راز شکل می‌گیرد به‌راحتی می‌تواند به‌عنوان فیلمی معمایی هم دسته‌بندی شود. سینمای معمایی هم مانند هرژانر دیگری سابقه‌ای پیشاسینمایی دارد. در ادبیات یا در نمایش، اکثر داستان‌های معمایی حول محور حل یک جنایت یا پیدا کردن جانی شکل می‌گرفت و دیگرژانرها خود را چندان مقید به این شاه پیرنگ نمی‌کردند. فیلم معمایی موفق به جلب رضایت مخاطب می‌شود که بتواند گره اصلی خود را درست از کار دربیاورد، در ادامه آن را به درستی گسترش دهد و مخاطب را نسبت به چگونگی حل شدن معما به حدس زدن وادارد و در نهایت هم معما را به بهترین شکل ممکن حل کند یا اصلا حل نکند.

رودخانه مرموز

کلینت ایستوود در اینجا داستان معمایی خود را به داستان رفاقت‌های سه مرد و خیانت‌های آنها گره زده و قصه‌ای تقدیرگرایانه تعریف کرده که یک سرش به تراژدی دردناک ختم می‌شود سر دیگرش به تباهی زندگی شخصیت‌های اصلی. ایستوود به خوبی می‌داند هیچ رازی پیچیده‌تر از نحوه کارکرد روابط آدمی با یکدیگر نیست و طرح و توطئه درام خود را هم بر مبنای آن می‌چیند. ضمن این‌که او به خوبی می‌داند در این سینما، مهم‌ترین بخش حل شدن معما و پایان‌بندی است و سه بازیگر معرکه هم برای رسیدن به هدف خود در اختیار دارد. «رودخانه مرموز» آن‌قدر فیلم خوبی است که آن را فقط می‌توان یک بار برای بررسی نحوه چینش داستان و پیشبرد رابطه آدم‌هایش دید.

در گرمای شب

در فیلم «در گرمای شب» حل شدن یک معما، به مسأله‌ای نژادی گره می‌خورد. مخاطب در طول تماشای فیلم مدام به این فکر است که آیا حل شدن معما، سبب رهایی قهرمان سیاهپوست درام هم خواهد شد یا این شهر بختک‌زده راهی برای قربانی کردن او پیدا می‌کند. نورمن جیسون به شکل معرکه‌ای توانسته مرگ زنی در یک شهر کوچک را به مسائل اجتماعی پیوند بزند و با گسترش داستان خود، با بی‌پروایی دست‌های آلوده به خون جامعه‌ای خفته را روکند. در فیلم او حل شدن معمای یک قتل، پرده از راز یک شهر عقب مانده برمی‌دارد. بدون شک فیلم در گرمای شب بهترین و معروف‌ترین فیلم سیدنی پوآتیه در مقام بازیگر است.

مکالمه

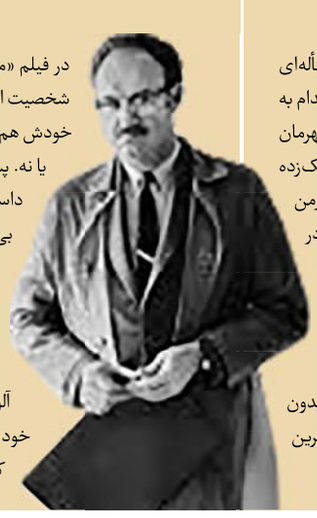

در فیلم «مکالمه» هم پای توطئه‌ای در میان است که شخصیت اصلی داستان از وقوعش مطمئن نیست. اما او خودش هم خبر ندارد که ناآگاهانه درگیر این توطئه شده یا نه. پس معما حول فهم این می‌گذرد که آیا قهرمان داستان ناخواسته کسی را به مسلخ فرستاده یا بی‌تقصیر بوده است. این محیط، شرایطی فراهم می‌کند که فرانسیس فورد کاپولا بتواند بساط نمایش جامعه دلمرده دهه ۷۰ میلادی را پهن کند و نیشی تند به آن بزند. کاپولا به‌خوبی توانسته این فضای پر از وحشت و البته وهم آلود را از کار دربیاورد. در تمام نماهایی که او در فیلم خود قرار داده، نوعی بی‌قراری و سردرگمی وجود دارد که بازگوکننده احوالات شخصیت اصلی است.

سراسر شب

هماهنگی کامل میان لحنی سرخوشانه و بازیگوش، با داستانی جاسوسی از فیلم «سراسر شب» یکی از جذاب‌ترین فیلم‌های این فهرست ساخته است. در اینجا حل شدن یک معمای جاسوسی می‌تواند به مسأله‌ای ملی کمک کند اما کارگردان ترجیح داده که شخصیت اصلی داستانش را آدمی دو دره باز و کلاهبردار انتخاب کند که تصور می‌کند در حال حل کردن پرونده یک جنایت است که تا حدودی جنبه شخصی هم برایش دارد. از جایی به بعد که دیگر او فقط برای پاک کردن نامش دست به کار می‌شود و هیچ هدفی جز خلاص کردن خودش از یک پاپوش ندارد. همه اینها در دستان کارگردان کاربلدی مانند وینسنت شرمن تبدیل به فیلمی شده که در دوران پیش از سایه انداختن سینمای نوآر بر سر سینمای آمریکا، رنگ و بویی از امید و خوشی دارد.